

نفت و اقتصاد جهانی

داری آمریکا که قبل از احراز این مقام در سمت رئیس امور انرژی آمریکا برای کاهش قیمت نفت تلاش زیادی کرده بود عازم کشور های خاور میانه شد تا با استفاده از نفوذ آمریکا در بعضی از کشورهای عربی در صف متحد کشور های صادر کننده نفت شکافی ایجاد نماید . سایمون در این سفر ، از ایران و چند کشور دیگر صادر کننده نفت که علاوه بر مخالفت جدی با کاهش قیمت نفت دلایل منطقی و قانع کننده ای بر لزوم افزایش قیمت نفت در برابر تورم روزافزون جهانی ارائه میکنند بازدید نکرد و بیشتر وقت خود را صرف مذاکره با رهبران عربستان سعودی و کویت نمود ، با وجود این گزارشی که وی در بازگشت از این سفر به کنگره آمریکا داده حاکی از اینست که وزیر خزانه داری آمریکا به نتایج مورد انتظار خود از سفر به کشورهای خاور میانه نائل نشده و نه فقط امکان کاهش قیمت نفت در شرایط فعلی بسیار کم است خطر افزایش آن در سه ماهه آخر سال ۱۹۷۴ هم از میان نرفته است .

نقش عربستان سعودی

آمریکا در تلاش خود برای کاهش قیمت نفت بیشتر به عربستان سعودی متکی است ،

تصمیم کشورهای صادر کننده نفت در باره افزایش قیمت نفت که از اول سال ۱۹۷۴ بموقع اجرا در آمده با مقاومت و مخالفت شدید کشور های مصرف کننده مواجه شده و از آغاز سال جاری این مقاومتها با تشکیل کنفرانس هایی از طرف کشورهای صنعتی مصرف کننده نفت و فعالیتهای دیپلماتیک در جهت کاهش قیمت بخصوص از طرف آمریکا دنبال شده است . نخستین تلاش برای تشکیل جبهه واحدی از کشورهای مصرف کننده در برابر ممالک صادر کننده نفت در نتیجه عدم همکاری و مخالفت فرانسه با شکست مواجه شد . ولی با تغییر حکومت در فرانسه زمینه مساعدتری برای همکاری بین کشورهای صنعتی مصرف کننده نفت فراهم آمد ، لیکن در خلال این احوال بسیاری از کشورهای مصرف کننده نفت برای تامین نفت مورد نیاز خود بطور جداگانه با کشورهای صادر کننده وارد مذاکره شده و قرارداد هایی برای تامین مواد نفتی مورد نیاز خود منعقد نمودند ، از طرف دیگر سازمان کشورهای صادر کننده نفت ، بهای اعلان شده نفت را برای سه ماهه دوم و سه ماهه سوم سال جاری تثبیت نمود و بدنبال تصمیم کنفرانس اوپک در کپتو پایتخت اکوادور ویلیام سایمون وزیر خزانه

هرچند عربستان سعودی از تاریخ افزایش قیمت نفت در دسامبر گذشته روش مخالفت آمیزی با این افزایش در پیش گرفته و در دواجلسیه قبلی شورای وزیران اوپک نیز از کاهش قیمت نفت جانبداری میکرد در این مبارزه تا مرحله مقابله و معارضه با کشورهای دیگر عضو اوپک و جدا کردن راه خود از سایر کشور های صادر کننده نفت پیش نرفته و سرانجام به نوعی مصالحه با کشور های دیگر عضو اوپک تن در داده است .

در کنفرانس اخیر اوپک نیز در مقابل عربستان سعودی که از کاهش قیمت نفت طرفداری میکرد ایران و ونزوئلا پیشنهاد افزایش قیمت نفت را مطرح کردند . و چون اکثریت قیمت باتفاق کشورهای عضو اوپک از پیشنهاد ایران و ونزوئلا جانبداری میکردند ، شیخ ذکی یمانی بار دیگر از در سازش و مصالحه در آمد و سرانجام بر اساس تثبیت قیمت نفت تا سه ماه دیگر و حفظ قیمت های فعلی تا اول اکتبر ۱۹۷۴ توافق گردید .

تثبیت قیمت نفت موقتی است

در تفسیر جریان کنفرانس اخیر اوپک و روشی که شیخ یمانی از آغاز تا انجام این کنفرانس در پیش گرفت گفته میشود که وزیر نفت عربستان سعودی و محافلی که از پیشنهاد وی در باره کاهش قیمت نفت طرفداری میکردند از ابتدا میدانستند که تلاش برای تقلیل قیمت نفت بجائی نخواهد رسید و این پیشنهاد از آنجا عنوان شده و تمعّب میشود که اقدامات کشورهای دیگر عضو اوپک برای افزایش قیمت نفت خنثی گردد و با تراض این در نظر درباره يك راه حل میانه که همان تثبیت قیمت نفت باشد توافق شود .

اما این تا کنیک با احتمال قوی در کتفرانر

لیکن جریان کنفرانس ماه ژوئن کشورهای صادر کننده نفت در کیتو نشان داد که عربستان سعودی با وجود ذخائر عظیم نفتی و امکاناتی که برای افزایش تولید نفت دارد به تنهایی قادر به شکستن قیمت نفت نیست .

تا قبل از تشکیل اجلاسیه اخیر سازمان کشور های صادر کننده نفت در کیتو پایتخت اکوادور ، فعالیت های دامنه داری در جهت وادار ساختن کشور های صادر کننده نفت به کاهش قیمت های اعلان شده دسامبر ۱۹۷۳ صورت گرفت و به وازات سروصدائی که از طرف محافل نفتی و اقتصادی دنیای غرب درباره عواقب خطرناک حفظ قیمت های فعلی نفت یا افزایش آن برای اقتصاد جهانی ، برخاسته بود شیخ احمد ذکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی نیز در تمعّب اقدامات قبلی خود برای کاهش قیمت نفت دست به فعالیت های شدید و تازه ای زد و با طرح پیشنهاد جدیدی در زمینه تقلیل قیمت نفت بمیزان بیست درصد رسماً به صف مدافعان کشور های بزرگ صنعتی و کمپانیهای نفتی پیوست ، اظهارات شیخ یمانی درباره ضرورت کاهش بهای نفت با تفسیرهایی درباره امکان اقدام یکجانبه عربستان سعودی در جهت کاهش قیمت نفت همراه بود و محافل و مطبوعات وابسته به کاردتل های بزرگ صنعتی و نفتی غرب چنین وانمود میکردند که اگر پیشنهادات عربستان سعودی مورد توجه و قبول سایر کشورهای صادر کننده نفت قرار نگیرد عربستان سعودی ضمن کاهش بهای نفت خود میزان تولید نفت را نیز افزایش خواهد داد تا کشور های مصرف کننده نیاز زیادی به نفت کشور های دیگر عضو اوپک نداشته باشند .

اما آنچه درباره روش عربستان سعودی در کنفرانس کشور های صادر کننده نفت در کیتو تبلیغ میشد تا حدی مهاله آمیز بود زیرا

خواهد ریخت و کشور های بزرگ صنعتی در خطر سقوط قرار خواهند گرفت .

اینک ششماه پس از افزایش قیمت نفت ، نه فقط پایه های نظام اقتصادی و پولی جهان بهم نریخته و کشورهای بزرگ صنعتی در خطر سقوط و ورشکستگی قرار نگرفته اند ، بلکه با روش غیر منطقی و نامعولی که کشورهای صنعتی بزرگ در برابر ممالک صادرکننده نفت در پیش گرفته اند کشورهای جهان سوم ، اعم از صادر کننده یا مصرف کننده نفت در برابر وضع دشوار و غیر قابل تحمیلی قرار گرفته اند و ادامه وضع فعلی برای کشورهای صادر کننده نفت چاره ای جز افزایش مجدد بهای نفت باقی نخواهد گذاشت .

دلایل منطقی افزایش قیمت نفت

افزایش قیمت نفت در سه ماهه آخر سال ۱۹۷۳ تصمیمی درست و منطقی بود و با همه جار و جنجالی که محافل اقتصادی غرب و کارتل های نفتی در اطراف آن براه انداخته بودند سخنرانی ها و مصاحبه های مستدل و منطقی شاهنشاه ایران در جهت توجیه این تصمیم جای شك و تردیدی در حقانیت کشور های صادر کننده نفت در مورد افزایش قیمت نفت خود باقی نگذاشت .

شاهنشاه ایران طی این مصاحبه ها با ارائه آمار و ارقامی از سیر صعودی قیمت ها و تورم جهانی در يك ربع قرن گذشته ثابت کردند که قدرت خرید هر بشکه نفت حتی پس از افزایش اخیر از قدرت خرید هر بشکه نفت با بهای بسیار نازل سال ۱۹۴۷ هم کمتر است و کشورهای صادر کننده نفت در واقع با تصمیم به افزایش قیمت نفت فقط ظلم و ستمی را که در این مدت طولانی بر آنها تحمیل شده جبران کرده اند ، بی آنکه نسبت به زیان های بی -

آینده اوپک که قرار است در ماه سپتامبر (اواخر شهریور ماه) در وین تشکیل شود کارگسر نخواهد بود ، زیرا ایران و اکثریت قریب باتفاق کشور های صادر کننده نفت در صورت ادامه تورم جهانی بصورت سرسام آور کنونی درباره افزایش قیمت نفت پافشاری خواهند کرد و تکروری و مخالف خوانسی عربستان سعودی در این مورد مانع اتخاذ تصمیم مقتضی از طرف سایر کشور های عضو اوپک نخواهد شد .

در کنفرانس کیتو آقای جمشید آموزگار نماینده ایران که ریاست کنفرانس اوپک را در اجلاسیه های حساس اخیر بهمه داشته تاکید کرد که کشور های صادر کننده نفت نمیتوانند در برابر تورم خطرناک کنونی در کشورهای صنعتی و افزایش سرسام آور بهای مصنوعات و کالا های صادراتی این کشور ها بی تفاوت بمانند و کاهش مداوم قدرت خرید نفت خود را تحمل کنند. این نظر که از طرف روسای هیئت های نمایندگی اکثریت قریب باتفاق کشور های عضو اوپک تایید شده در اعلامیه نهائی کنفرانس کیتو نیز منعکس است و تثبیت قیمت نفت برای سه ماه دیگر در واقع بمنزله مهلتی است که برای مهار کردن تورم خطرناک کنونی به کشورهای بزرگ صنعتی داده شده و عدم توجه کشور های صنعتی باین اخطار و هشدار ممکنست سرانجام به افزایش قیمت نفت در سه ماهه آخر سال ۱۹۷۴ منجر گردد .

در آغاز سال جاری مسیحی ، هنگامیکه کشورهای صادر کننده نفت تصمیمات جدید خود را درباره افزایش قیمت نفت بموقع اجرا گذاشتند مطبوعات و محافل اقتصادی غرب فریاد و فغان برداشتند که پایه های نظام اقتصادی و پولی بین المللی با اجرای این تصمیم فرو

که بهای بسیاری از انواع این کالاها در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ از پنجاه تا دویست درصد افزایش یافته و تصمیم به افزایش مجدد قیمت کالاها و مصنوعات کشورهای صنعتی بعنوان تلافی یا جبران افزایش بهای نفت هم بدلالی که ذکر شد منطقی و قابل قبول نبود، زیرا کشورهای صادر کننده نفت در واقع بجهان تورم جهانی و افزایش بهای مواد اولیه و کالاهای ساخته شده کشور های صنعتی تا پایان سال ۱۹۷۳ قیمت نفت را افزایش دادند و تورمی مجدد قیمت مصنوعات و کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی در برابر نفت، جز اینکه قدرت خرید نفت را مجدداً کاهش داده و کشور های صادر کننده نفت را به افزایش مجدد قیمت و ادامه این دور تسلسل و ادار نماید نتیجه ای بیار نخواهد آورد.

برای بررسی سیر صعودی خطرناک تورم در کشورهای صنعتی کفایت نرخ تورم در چند کشور بزرگ صنعتی را در سه دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ و ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ و سالهای ۷۲-۱۹۷۳ مبنایسه نمائیم: در ایالات متحده آمریکا نرخ متوسط تورم سالانه در دهه ۷۰ - ۱۹۶۰ در حدود ۲ درصد بوده و از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ به چهار و نیم درصد رسیده است.

نرخ تورم در آمریکا در سال ۱۹۷۳ به ۹/۴ درصد رسیده و در سال ۱۹۷۴ با توجه به سیر صعودی افزایش قیمت ها در شش ماهه اول سال یازده تا ۱۲ درصد خواهد بود. در آلمان غربی نرخ تورم در دهه ۷۰-۱۹۶۰ نزدیک به سه درصد در سال بوده، در فاصله سالهای ۷۳-۱۹۷۰ به رقم سالانه هفت درصد رسیده، در سال ۱۹۷۳ از هشت درصد تجاوز کرده و در سال جاری ده تا یازده درصد برآورد شده است.

و بالاخره در ژاپن نرخ متوسط تورم در

حساب گذشته ادعای خسارت و جبران ضرر و زیان بنمایند.

واقیعت دیگری که برای ملل مصرف کننده نفت روشن شد این بود که قریب دو تریلیون پولی که از جیب مصرف کننده غربی در ازاء بهای نفت یا بنزین پرداخت میشود بعنوان مالیات عاید دولت های ممالک مصرف کننده میشود و به یک حساب روشن دیگر معلوم شد که از مجموع قیمت فروش هر لیتر نفت یا بنزین در کشور های اروپای غربی کمتر از یکدم آن به صاحبان اصلی نفت، یعنی کشورهای صادر کننده پرداخت شده و بقیه عاید خزانه دول مصرف کننده یا نصیب کمپانیهای نفتی و عوامل توزیع مواد نفتی گردیده است!

با این دلایل قوی و دندان شکن در توجیه افزایش قیمت نفت، منطقی ترین راهی که برای حفظ تعادل اقتصادی در غرب و جلوگیری از تحمیل افزایش قیمت های نفت بر مصرف کننده وجود داشت این بود که دولت های غربی از مالیات زیادی و نا حتی که از مصرف کنندگان میگیرند بکاهند و کمپانیهای نفتی را نیز به تعدیل درآمد های کلان خود وادار سازند، اما نه از مالیاتهای وصولی دول غربی از نفت کاسته نشد و نه از سوء استفاده شرکت های نفتی جلوگیری بعمل آمد، بطوریکه درآمد این کمپانیها در سه ماهه اول سال ۱۹۷۴ که نخستین سه ماهه فروش نفت با قیمت های جدید بود قریب ۸۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافت!

واکنش کشورهای صنعتی

واکنش نامعقول و خطرناک دیگر کشورهای صنعتی در برابر افزایش بهای نفت افزایش ناگهانی و بی حساب بهای مصنوعات و مواد اولیه و کالاهای صادراتی این کشور ها بود، در حالی

پاسخ این تهدیدات که بیشتر از جانب آمریکائها عنوان میشود اینست که اولاً کشور های صادرکننده نفت دیگر به کمک اقتصادی آمریکا و کشورهای دیگر صنعتی نیازی ندارند و تضییقات اقتصادی بصورت خود داری ازسودر بعضی کالاها به این کشورها بیشتر بزیان خود آنها تمام خواهد شد ، زیرا تهیه این کالاها از گروه دیگری از کشورهای صنعتی درشرق و غرب کار دشواری نیست .

خود داری آمریکا از فروش اسلحه یا همکاریهای فنی و تکنولوژیک به کشورهای صادرکننده نفت هم ، این کشورها را بسوی منابع دیگری هدایت خواهد کرد ، چنانچه ایران ، حتی پیش ازاینکه این صدا های ناهنجار درکنگره و مطبوعات آمریکا بلندشود برای استفاده از تکنولوژی جدید به اروپا روی آورده و در صورت لزوم تهیه اسلحه از کشوری مانند فرانسه نیز در شرایطی سهل تر از آمریکا امکان پذیر خواهد بود .

البته علت اصلی نگرانی و وحشت کشور های بزرگ صنعتی غرب از افزایش قیمت نفت ، تاثیر پرداخت های اضافی آنها برای نفت در برهم خوردن تعادل بازرگانی خارجی و کسر موازنه پرداخت های آنها است : کشورهای اروپای غربی که در سال ۱۹۷۳ در حدود ۱۱ میلیارد دلار برای تامین احتیاجات نفتی خود پرداخته اند در سال جاری باید بیش از ۵۰ میلیارد دلار برای خرید نفت و مواد نفتی بپردازند ، پرداخت های امسال آمریکا برای نفت وارداتی در حدود ۲۵ تا ۲۷ میلیارد دلار ، یعنی قریب ۲۰ میلیارد دلاریش از سال ۱۹۷۳ پیش بینی شده و بالاخره ژاپن که یکی از وارد کنندگان عمده نفت است در سال جاری قریب ۱۵ میلیارد دلار بیش از سال گذشته برای خرید مواد نفتی خود پرداخت خواهد کرد .

دوره ۷۰-۱۹۶۰ کمتر از پنج درصد در سال بوده که در فاصله سالهای ۷۳-۱۹۷۰ به شش درصد رسیده ، اما در سال ۱۹۷۳ ناگهان به قریب ۲۰ درصد رسیده و در سال ۱۹۷۴ به نرخ بیسابقه ۲۵ درصد خواهد رسید !

کشورهای بزرگ صنعتی ظاهراً برای این که قسمتی از پرداخت های اضافی خود را برای نفت ، از طریق افزایش قیمت کالا های صادراتی خود جبران نمایند و از کسرموازنه پرداختها یا عدم تبادل در بازرگانی خارجی خود جلوگیری بعمل آورند مهار قیمت کالاها ، بخصوص کالاهای صادراتی خود را رها کرده اند ، در حالیکه زمان تحمیل این قبیل راه حل ها به کشورهای صادرکننده مواد اولیه بویژه صادرکنندگان نفت سپری شده و کشورهای عضو اوپک در پایان مهلت سه ماهه تازه ای که به کشورهای صنعتی مصرف کننده نفت داده اند یا حربه افزایش مجدد قیمت نفت به مقابله با تورم کشورهای صنعتی خواهند رفت .

تهدید بجای منطق !

بس از کنفرانس اخیر اوپک که منعکس کننده تصمیم قاطع کشورهای صادرکننده نفت به افزایش بهای نفت در صورت ادامه تورم جهانی بود بعضی از کشورهای بزرگ صنعتی و در راس آنها آمریکا بجای اینکه در راه رفع مشکلات اقتصادی جهان و مقابله و مبارزه با تورم خطرناکی که عامل اصلی افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ بوده و میتواند عامل افزایش مجدد آن در سال جاری باشد گام مثبت و مدوثری بردارند به حربه کهنه تهدید متوسل شده و از زبان روزنامه ها و اعضای کنگره آمریکا از امکان دست زدن به اقداماتی از قبیل تضییقات اقتصادی و خود داری از دادن اسلحه و کمک های فنی به کشورهای صادرکننده نفت سخن میگویند

گذشت و آمریکا با وجود پرداخت بیش از ۲۰ میلیارد دلار اضافی برای خرید نفت دچار کسر موازنه بازرگانی خارجی نخواهد شد. نکته جالب توجه و قابل ذکر اینکه مقاله آقای برگستن هم در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شده و خود بهترین پاسخ به سرناله تهدید است. آمیز اخیر همین روزنامه بشماره می آید.

نگرانی آمریکا و سایر کشور های صنعتی غرب درباره افزایش مجدد قیمت نفت در کنفرانس آینده اوپک بدلائی که بیان شد، با شرایطی که کشورهای صنعتی خود فراهم آورده اند بجا است، ولی برای جلوگیری از این افزایش کشورهای صنعتی باید بجای حربه کهنه و استعماری تهدید با سلاح برای منطق و انصاف بمیدان بیایند و بر اساس پیشنهاد های شاهنشاه ایران با کشورهای صادر کننده نفت وارد مذاکره شوند.

تثبیت قیمت نفت در برابر کالا های صنعتی و مواد اولیه دیگر و تشکیل یک موسسه بیطرف بین المللی برای کمک به کشورهای در حال رشد (که علاوه بر رفع مشکلات کشورهای فقیر و نیاز مند، بازار وسیعی برای فروش کالا ها و مصنوعات کشورهای صنعتی در کشورهای در حال رشد فراهم خواهد آورد) گامهای نخستین هر گونه توافقی برای حل مشکلات اقتصادی کنونی جهان بشمار می آید.

ایران با کمک های دو جانبه و سرمایه گذاری در کشورهای در حال رشد و اعتباراتی که در اختیار بانک جهانی و صندوق بین المللی قرار داده است برای کشورهای دیگر صادر کننده نفت نیز سرمشقی ارائه داده است که در صورت آغاز مذاکرات جدی بین کشورهای صادر کننده نفت و ممالک صنعتی راه گشای حل بسیاری از مسائل ناشی از افزایش قیمت نفت خواهد بود.

برای مقابله با این وضع و جبران پرداخت های اضافی برای نفت، آمریکا و ژاپن و کشورهای اروپای غربی از اواخر سال ۱۹۷۳ بهای کالا های صادراتی خود را بسرعت افزایش داده اند (در حالیکه بعضی از انواع کالا های ضروری و مواد اولیه قبل از افزایش قیمت نفت از ۵۰ درصد تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته بود).

مقایسه قیمت این کالاها، بخصوص مواد فلزی و ساخته شده و بعضی از مواد اولیه با قیمت های اواخر سال ۱۹۷۳ و اوائل سال ۱۹۷۴ افزایشی بین ۲ تا ۶ برابر را نشان میدهد، در حالیکه قیمت نفت نسبت به اوائل سال ۱۹۷۴ در حدود چهار برابر شده است و این افزایش برای جبران زیان حاصله از تورم جهانی تا پایان سال ۱۹۷۳ (و نه بعد از آن) بوده است.

یک راه حل منطقی

بطور خلاصه کشورهای بزرگ صنعتی بجای اینکه در مقابل تصمیم منطقی کشورهای صادر کننده نفت برای حفظ قدرت خرید نفت خود، کمربند ها را محکمتر ببندند و پس از غارت ثروت کشورهای صادر کننده نفت در یک ربع قرن گذشته به سود کمتر و رشد بطی تری قانع شوند باید دیگر در تمقیب همان روش های گذشته سود خود را در زیان دیگران جستجو میکنند و این بار با افزایش بی حساب و بی منطق کالا های صادراتی خود قدرت خرید نفت را بسوی همان حد نازل و نامعقول گذشته عقب میکشند، بطور مثال بموجب بر آورد یک مقصد برجسته آمریکائی بنام «فرد - برگستن» - بر اثر افزایش بهای کالا های صادراتی ارزش صادرات آمریکا در سال ۱۹۷۳ از مرز یکصد میلیارد دلار خواهد